

۹۷, ۹, ۲۸



میل به معنا

نویسنده و کاربردهای معنادرمانی

نویسنده:

ویکتور. ای. فرانکل

(نویسنده انسان در جستجوی معنا)

مترجم:

کیومرث پارسای



۱۲/۵/۷۸

فرانکل، ویکتور امیل، ۱۹۰۵ - ۱۹۹۷ م.	سرشناسه
(Frank, Viktor E. Viktor Emil)	
میل به معنا: مبنای و کاربردهای معنادرمانی/ نویسنده ویکتور ای. فرانکل؛ مترجم کیومرث پارسای.	عنوان و نام پدیدآور
تهران: تمدن علمی، ۱۳۹۶.	مشخصات نشر
۱۷۶ ص.	مشخصات ظاهری
۹۷۸-۶۰۰-۸۱۲۷-۶۰۰-۴	شابک
فیبا	وضعیت فهرست نویسی
عنوان اصلی: foundations and applications of logotherapy, 1988.	یادداشت
The will to meaning	داشت
چاپ دوم.	موضوع
معنادرمانی	موضوع
Logotherapy	شناسه رده
پارسای، کیومرث، - مترجم	رده ی کنگره
۱۳۹۶ ۱۳۳۳/۶/۲۸۹ RCT	رده ی دیور
۸۹۱۶/۶۱۶	شماره کتابخانه ملی
۵۱۳۱۱۳۱	



میل به معنا

ویکتور ای. فرانکل

مترجم: کیومرث پارسای

صفحه آرایشی: مهدی شکری

چاپ اول تمدن علمی: ۱۳۹۷

تیراژ: ۵۵۰ نسخه

لیتوگرافی: کوثر

چاپ: مهارت

خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری

بن بست گرانفر، پلاک ۴، تلفن ۶۶۴۱۲۳۵۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۲۷-۶۰۰-۴

فهرست

۵.....	موضوعی نویسنده
۷.....	دیرچه
۱۱.....	مقدمه. وضعیت روان‌درمانی و موقعیت معنادرمانی
۲۱.....	بخش نخست. اساس معنادرمانی
۲۳.....	فصل ۱. معانی فرابینی در معنادرمانی
۳۹.....	فصل ۲. تعالی یا فراتر رفتن از خوانستن به عنوان پدیده‌ای انسانی
۵۹.....	فصل ۳. مفهوم معنا چیست؟
۸۹.....	بخش دوم. کاربردهای معنادرمانی
۹۱.....	فصل ۴. خلاء وجودی: چالش روانپزشکی
۱۰۷.....	فصل ۵. شیوه‌ها و روشهای معنادرمانی
۱۲۳.....	فصل ۶. وظیفه پزشکی
۱۴۷.....	بخش پایانی
۱۴۹.....	فصل ۷. ابعاد معنا
۱۶۵.....	بعدالتحریر. مرشدزدایی در معنادرمانی

دیباچه

این کتاب، برون‌داد سلسله سخنرانی‌های محسوب می‌شود که از من دعوت شد در دوره تابستانی سال ۱۹۶۶ در مکتب الهیات پرکینز در دانشگاه متدیست جنوبی در دالاس تکزاس ایرانم. مسئولیت محول شده به من در آن زمان، تعریف نظام جامعی بود که بتواند عناد رمانی را توصیف کند. هرچند نویسندگان متعددی اغلب اشاره کرده‌اند که معنای رمانی، در تضاد با سایر مکتب‌های روان‌درمانی وجودی، دارای شیوه‌های مناسبی در روان‌درمانی است، ولی به عنوان آخرین روش روان‌درمانی مفهومی، در یک شیوه نظام‌مند در نظر گرفته می‌شود.

در فصول گوناگون کتاب حاضر، بزمان با بررسی بنیانهای این نظام، فرضیات و اصول اساسی زیرمجموعه معنادرمانی زیرارائه می‌شود. اینها زنجیره‌ای از بخش‌های مربوط به هم را ایجاد می‌کنند که من دره‌ای در آن زنجیره، بر اساس سه مفهوم زیر شکل می‌گیرد:

۱- آزادی اراده

۲- جستجوی معنا

۳- معنای زندگی

۱- آزادی اراده شامل موضوع جبرگرایی در مقابل جبرگرایی مطلق

۲- جستجوی معنا به عنوان موضوعی جدا از مفاهیم قدرت‌طلبی و لذت‌طلبی

ارائه شده به ترتیب توسط روانشناختی آدلری و فرویدی شرح داده می‌شود. بدون تردید، اصطلاح قدرت‌طلبی، بیشتر از اینکه توسط آدلر باب شود، توسط نیچه مورد استفاده قرار گرفت و ابداع اصطلاح لذت‌طلبی به کار رفته در اصل لذت

فروید نیز، نه مال او، که متعلق به من است. از این گذشته، اصل لذت را باید در پرتو مفهومی گسترده‌تر، یا همان اصل تبادل حیاتی، مورد بررسی قرار داد. در نقد این دو مفهوم، باید نظریه انگیزشی معنادرمانی نیز بررسی شود.

۳) معنای زندگی مربوط به موضوع نسبت‌گرایی در مقابل اصالت ذهن می‌شود.

کاربردهای معنادرمانی توصیف‌شده در این کتاب نیز مفهومی سه‌گانه دارند. نخست، معنادرمانی، یعنی درمان روان‌رنجوری ذهنی. دوم، معنادرمانی، یعنی درمان روان‌رنجوری روانزادی، یا روانزادی در معنای مصطلح واژ. سوم، معنادرمانی، یعنی درمان بدنزادی روانزادی، یا به عبارت بهتر، بیماریهای بدنزادی به‌طور عام. آشکار است که همه این‌ها بخشی در این رشته از موضوعات اصلی، بازتاب دارند.

در مقدمه این کتاب، معنادرمانی در برابر سایر مکاتب روان‌درمانی و بویژه فلسفه اصالت وجود در زمینه روان‌درمانی تکرار شده است. آخرین فصل کتاب نیز به بحث میان معنادرمانی و الهیات اختصاص دارد. تلاش من استفاده از پیشرفتهای کاملاً تازه معنادرمانی، در نظر گرفتن هر دو جنبه اصول فردی و مطالبی در این کتاب بوده است که بتواند، عیناً موضوعاتی روشنگر به کار گرفته شود. در عین حال، این تلاش مبتنی بر ارائه تصویری جامع از کل نظام، مرا مجبور به ارائه مطالب مورد استفاده در کتاب پیشین، یعنی انسان در جستجوی معنا در اینجا کرده است.

اشاره به اصطلاح خلاص وجودی، امروز چالشی را در روانکاوی ایجاد کرده است. تعداد زیادی از بیماران، از احساس پوچی و بیهودگی شکایت دارند که به

نظر من از دو واقعیت سرچشمه می گیرد: نخست اینکه انسان برخلاف حیوانات، از غریزه پیروی نمی کند، و برخلاف انسان زمانهای گذشته، دیگر به آنچه سنتها برایش در نظر می گیرند تا انجام دهد، مقید نیست. اغلب اوقات انسان حتی نمی داند اصولاً چه می خواهد بکند. در عوض تمایل دارد آنچه را سایر افراد انجام می دهند، تقلید کند (همسازگرایی)؛ یا کاری را بکند که سایرین از او توقع دارند (استادگویی).

امیدوارم موفقه به متقاعد کردن خواننده این کتاب در این زمینه بشوم که زندگی، به رغم منسوب شدن سنتها برای هر فرد، و همه افراد، معنایی دارد، و حتی بیشتر از آن، چنین معنایی را اابد خواهد داشت. روانپزشک قادر است به بیمار خود نشان دهد که زندگی هرگز داشتن معنا دست بر نمی دارد. بدون تردید، پزشک نمی تواند به بیمار سود بگرداند این معنا چیست، ولی می تواند به درستی بگوید که معنا در هر شرایطی وجود دارد. زندگی همواره دارای معنایی ویژه است. یعنی زندگی در هر شرایطی باید معنا دار باشد. بر اساس آموزشهای معنادرمانی، حتی جنبه های اندوهبار و منفی زندگی، همچون رنجهای گریزنابذیر، می تواند با نگرشی که انسان در برابر شرایط کنونی خود می پذیرد، تبدیل به دستاوردی انسانی شود. معنادرمانی، برخلاف اغلب کتبهای فکری اصالت وجود، به هیچ وجه بدبینانه نیست، بلکه جنبه های واقع گرایی را در برخورد با فرآیندهای وجودی انسان، یعنی درد، مرگ، و گناه دارد. به درستی می توان معنادرمانی را حتی خوشبینانه نامید، زیرا به بیمار نشان می دهد چگونه می توان ناامیدی را تبدیل به موفقیت کرد.

در دوره ای همچون زمان ما که سنتها دچار زوال می شوند، روانپزشکی باید وظیفه اصلی خود را، تجهیز انسان برای پیدا کردن معنای زندگی بدانند. در این زمان که از نظر بسیاری از افراد، ده فرمان اعتبار غیرشرطی خود را از دست داده است، انسان باید یاد بگیرد چگونه می توان به ده هزار وضعیتی که زندگی او به

خود می‌گیرد، توجه نشان داد. در این راستا، امیدوارم خواننده این کتاب دریابد که معنادرمانی، نیازهای هر ساعت را برآورده می‌سازد.

ویکتور ای. فرواتکل پزشک و دکترای فلسفه

وین - اتریش

www.ketab.ir